



Algorithmic Governance and the Transformation of the Dimensions of Power in International Relations

A. Basir Mesbah¹

Sayed Borhan Altafe²

1. Lecturer in Journalism and Managing Director of Pol-e-Surkh Media
Email: Mesbah.abdulbasir@gmail.com | ORCID: 0000-0003-1406-6046

2. Lecturer at Women Online University, Afghanistan, and member of the Editorial Board of Nebras Scientific-Research Quarterly
E-mail: borhan.altafy@gmail.com | ORCID: 0009-0009-3866-9467

 <https://doi.org/10.68138/nebras-140010>

Abstract

Article type: Research
Articl

Article History:
Received: 2026/06/04
Revised: 2026/08/07
Accepted: 2026/09/08
Published: 2026/09/25

The rapid expansion of generative artificial intelligence (AI) is reshaping information production and dissemination and, consequently, the configuration of power in global politics. The divergent strategies of the United States and China, the European Union's regulatory and normative influence, the regional ambitions of India and the Global South, and Russia's emphasis on military and information operations signal the emergence of a geopolitical order in which AI constitutes a critical source of power. This study examines how the shift from smart power to algorithmic power is transforming the mechanisms of power in international relations and what trajectories may ensue. Using thematic analysis, the study finds that algorithmic systems convert traditional sources of power

Keywords:

Big data,
Algorithmic
governance,
Technological
networks,
Smart power,
Data power

into data-driven power, concentrating the capacity to accumulate and control massive datasets within organizations that govern access to users and digital infrastructures, while positioning technology networks as consequential new actors. Scenario analysis points to competing possibilities: states capable of establishing AI standards may shape global norms, while technological cooperation or intensified geopolitical rivalry may redefine the international order; simultaneously, private technology corporations may acquire authority extending beyond conventional state power. The study concludes that grounding AI governance in shared human values and ethical responsibility, rather than its instrumentalization for power and national security, is crucial to mitigating global risks; otherwise, algorithmic power may deepen asymmetries and regulatory gaps in global governance.



نبراس

شماره ۱۴، تابستان ۱۴۰۵

ویژه گفتمان قدرت



حکمرانی الگوریتمی

و تحول ابعاد قدرت در روابط بین‌الملل

عبدالبصیر مصباح^۱

دکتر سید برهان الطافی^۲

۱. استاد روزنامه‌نگاری و مدیر مسئول رسانه پل سرخ

Email: Mesbah.abdulbasir@gmail.com | ORCID: 0000 – 0003 – 1406 - 6046

۲. استاد دانشگاه آنالین زن افغانستان و عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی - پژوهشی نبراس

E- mail: borhan.altafy@gmail.com ORCID: 0009 – 0009 – 3866 - 9467

چکیده

توسعه سریع هوش مصنوعی مولد، فرایند تولید و انتشار اطلاعات را در سیاست جهانی دگرگون کرده است. از یکسو، ایالات متحده و چین به عنوان بازیگران اصلی بر رفتار دیگران تأثیر می‌گذارند؛ اتحادیه اروپا از طریق نفوذ تنظیم‌گرانه و استانداردهای اخلاقی عمل می‌کند؛ هند و دیگر کشورهای جنوب جهانی به دنبال نفوذ اقتصادی و منطقه‌ای هستند؛ و روسیه بر عملیات نظامی و اطلاعاتی تمرکز دارد. این پویایی‌ها بیانگر شکل‌گیری واقعیت جدید در ژئوپلیتیک است که در آن هوش مصنوعی به عامل کلیدی تعیین‌کننده قدرت بدل شده است. مسئله اصلی این پژوهش آن است که با گذار از قدرت هوشمند به قدرت الگوریتمی، سازوکارهای اعمال قدرت در روابط بین‌الملل چه پیامدها و چشم‌اندازهایی را در پی خواهند داشت. یافته‌های این پژوهش که با روش تحلیل مضمون انجام شده، نشان می‌دهد که سامانه‌های الگوریتمی منابع قدرت سنتی را به قدرت داده‌محور تبدیل کرده و تحولات ژرفی در ابزارها، منابع و بازیگران عرصه بین‌الملل ایجاد کرده‌اند. ظرفیت انباشت داده‌های حجیم به شکل نابرابر در اختیار سازمان‌هایی متمرکز شده که دسترسی به کاربران را کنترل می‌کنند و شبکه‌های فناوری به عنوان بازیگران نوین وارد میدان قدرت شده‌اند. نتایج سناریوهای تحقیق حاکی از آن است که در یک سناریو، دولت‌های تعیین‌کننده استانداردهای هوش مصنوعی می‌توانند هنجارهای جهانی را شکل دهند؛ کما اینکه همکاری مشترک کشورها یا تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی بر سر فناوری نیز محتمل است. در سناریوی دیگر، شرکت‌های خصوصی فناوری فراتر از قدرت‌های دولتی عمل کرده و بخشی از اقتدار دولت‌های ملی را به خود اختصاص می‌دهند. اگر دولت‌ها به جای نگاه ابزاری به هوش مصنوعی، بر ارزش‌های انسانی مشترک تکیه کنند، خطرات جهانی کاهش می‌یابد؛ در غیر این صورت، اتکا به الگوریتم‌ها به عنوان ابزار قدرت و امنیت ملی، شکاف‌های نظارتی در سطح جهان را عمیق‌تر خواهد کرد.

تاریخچه مقاله

دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۴

بازنگری: ۱۶/۰۵/۱۴۰۵

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷

تاریخ نشر: ۳۰/۰۶/۱۴۰۵

واژگان کلیدی:

داده‌های بزرگ،

حکمرانی الگوریتمی،

شبکه‌های فناوری،

قدرت هوشمند،

قدرت داده‌ای

مقدمه:

قدرت به عنوان محوری‌ترین مفهوم در علم سیاست (اکبری، ۱۳۹۷)، به معنای توانایی عملی کردن خواسته‌ها به رغم مخالفت دیگران تعریف شده است (عالم، ۱۳۹۱). این مفهوم به دلیل انتزاعی بودن و ماهیت پویا، نمودهای چندگانه و چندلایه‌ای در جوامع بشری دارد. همین ویژگی سبب شده است تا سنجش آن به سادگی امکان‌پذیر نباشد و نظریه‌پردازان این حوزه، نحوه زیست اجتماعی انسان را چارچوب تحلیلی مناسبی برای فهم قدرت در نظر بگیرند (نیک‌سرت، ۱۳۹۵) و ردپای آن را در حوزه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی مشاهده کنند (اکبری، ۱۳۹۷).

اگرچه قدرت از مقوله‌های بنیادین در فلسفه سیاسی است و مطالب بسیاری درباره آن نوشته شده، اما هنوز تعریف جامع و واحدی که مورد توافق همگان باشد وجود ندارد (رایش، ۱۳۷۷). جوهره این پدیده به صورت ماهوی پویا است و تمرکز بیش از حد آن می‌تواند نظام سیاسی را به استبداد سوق دهد. از سوی دیگر، با تحول دانش روابط بین‌الملل و جهانی شدن سیاست، اقتصاد و ارتباطات، نحوه برداشت از قدرت، منابع و سازوکارهای اعمال آن نیز پیچیده‌تر شده است. در کنار گذار قدرت از ابعاد سخت به نرم و هوشمند، قالب جنگ‌ها نیز به عنوان ملازم دائمی بشریت، دستخوش دگرگونی‌های اساسی شده است (مرادی و خیراتی، ۱۴۰۰).

با رشد روزافزون هوش مصنوعی و تحول ابعاد زندگی اجتماعی، مفهوم قدرت نیز پایه‌های فناوری‌های نوین تکامل یافته و در قالب پلتفرم‌های الگوریتمی، سازوکارهای تازه‌ای به خود گرفته است. الگوریتم‌ها قواعد محاسباتی هستند که با بهره‌گیری از یادگیری ماشین بدون نظارت و نیمه‌نظارتی بر روی کلان داده‌ها، مانند چهره‌ها و متون را پردازش می‌کنند تا الگوها و پیش‌بینی‌ها را مدل‌سازی کنند. این پیش‌بینی‌ها، فرایند تصمیم‌گیری را برای اهداف تجاری (مانند مدیریت محتوا و تبلیغات) و اهداف سیاسی (مانند امنیت و حکمرانی دیجیتال) خودکار می‌سازند (Srivastava, 2023).

از سوی دیگر، توسعه سریع هوش مصنوعی مولد، فرایند و شیوه تولید و انتشار اطلاعات در سیاست جهانی را دستخوش تغییر کرده و پرسش‌های مهمی را برای نظریه روابط بین‌الملل مطرح ساخته است. اگرچه نظریه‌های سنتی همچنان در تحلیل رقابت راهبردی، حکمرانی و

امنیت کارآمد هستند، اما در پرداختن به آثار معرفتیِ دانشی که از طریق شیوه‌های الگوریتمی تولید می‌شود، کفایت ندارند (Alaca et al., 2026).

در سال ۲۰۲۵ میلادی، ایالات متحده و چین همچنان بازیگران اصلی در بهره‌گیری از هوش مصنوعی به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت به شمار می‌روند و از طریق رهبری فناورانه و رقابت، بر رفتار دیگر بازیگران تأثیر می‌گذارند. اتحادیه اروپا از طریق نفوذ تنظیم‌گرانه و استانداردهای اخلاقی، قدرت خود را اعمال می‌کند؛ در حالی که هند و دیگر کشورهای جنوب جهانی، مانند عربستان سعودی، مالزی و آفریقای جنوبی، از هوش مصنوعی برای اعمال نفوذ اقتصادی و منطقه‌ای بهره می‌برند. روسیه بر عملیات نظامی و اطلاعاتی تمرکز دارد، اما در عرصه نوآوری عقب‌تر است. این کشورها در حال شکل‌دهی به واقعیت ژئوپلیتیکی جدیدی هستند که در آن هوش مصنوعی به عامل کلیدی در تعیین قدرت تبدیل شده و سایر بازیگران را وادار می‌کند که یا همکاری کنند، یا به رقابت بپردازند و یا خود را با آن سازگار سازند (Koppel & Parkhomchuk, 2025).

این تحولات موجب بازتعریف مباحث کلاسیک، مدرن و پسامدرن قدرت شده و پرسش‌های بنیادینی دربارهٔ سازوکارهای اعمال قدرت و نسبت آن با مفاهیم «قدرت سخت»، «قدرت نرم» و «قدرت هوشمند» ایجاد کرده است. افزون بر این، این استدلال مطرح شده است که هوش مصنوعی مولد چگونه می‌تواند اعتبار و روایت‌ها را در سطح روابط بین‌الملل پیکربندی کند و نفوذ بین‌المللی نظام‌های الگوریتمی، در کنار قدرت نظامی و اقتصادی، چه تأثیری بر سیاست‌های کلان جهانی می‌گذارد.

بنابراین، پرسش اصلی این است که گذار از قدرت هوشمند به قدرت الگوریتمی چه پیامدهایی برای جامعه، دولت‌ها و نظم بین‌الملل در پی دارد. پژوهشگران بر این فرض تأکید می‌کنند که کنشگران جدید، شامل شرکت‌های فناوری، پلتفرم‌های آنلاین و سامانه‌های هوش مصنوعی، به بازیگران کلیدی عرصه قدرت تبدیل شده‌اند و شناخت این تحول برای تحلیل سیاست‌های جهانی اهمیت بنیادی دارد. تغییر سازوکارهای حکمرانی و شناخت مکانیسم‌های جدید قدرت مبتنی بر هوش مصنوعی و ابزارهای الگوریتمی، اهمیت علمی این پژوهش را برجسته می‌سازد. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی پیامدهای تغییر در سازوکارهای اعمال قدرت تحت تأثیر الگوریتم‌های هوش مصنوعی و تبیین چشم‌انداز روابط بین‌الملل در بستر تحولات فناورانه است.

مرور ادبیات تحقیق

پژوهش‌های پیشین به طور عمده حول سیاست‌های شرکت‌های بزرگ فناوری در تحول سیاست‌های کلان ملی یا تبیین جایگاه الگوریتم‌های هوش مصنوعی در روابط بین‌الملل شکل گرفته‌اند. لیندا مونسیس

و دیگران (۲۰۲۳) در پژوهش خود، با مسئله‌مند کردن فناوری‌های بزرگ، پرسش‌های بنیادینی درباره سیاست‌های شرکت‌هایی مانند آمازون، گوگل و فیسبوک مطرح می‌کنند. نویسندگان نشان می‌دهند که چگونه چشم‌اندازِ فراتر از مرزها و چارچوب‌های اجتماعی - مادی، نهادی و رشته‌ای، امکان گسترش مطالعه سیستم‌های فناوری بزرگ را فراهم می‌سازد. این پژوهش ابعاد هستی‌شناختی فناوری‌های بزرگ را برجسته کرده، به سیاست زیبایی‌شناسی و اعتبار آن‌ها می‌پردازد و مفاهیم مشروعیت و مسئولیت را بازاندیشی می‌کند. از این طریق، نشان داده می‌شود که چگونه روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی سیاسی بین‌المللی می‌توانند تعامل تحلیلی خود را با فناوری‌های بزرگ تقویت کنند و آینده‌های تکنوپلیتیکی بدیل و برهم‌زننده را پرورش دهند.

پژوهش کوپل^۱ و پارک‌هومچوک^۲ (Koppel & Parkhomchuk, 2025)، هوش مصنوعی را به عنوان ابزار تحول‌آفرین در روابط بین‌الملل بازتعریف می‌کند و نشان می‌دهد که این فناوری قابلیت‌های نظامی و اقتصادی را تقویت می‌کند، روایت‌های فرهنگی را ترویج می‌دهد، کارزارهای اطلاعات نادرست را تسهیل می‌کند و نفوذ راهبردی را یکپارچه می‌سازد. نویسندگان بر ماهیت دوگانه هوش مصنوعی به عنوان «ژانوس دوچهره»^۳ تأکید می‌کنند؛ به این معنا که این فناوری افزون بر فراهم ساختن فرصت‌هایی برای قدرت‌های بزرگ و بازیگران کوچک‌تر، خطرات بی‌ثبات‌سازی و شکاف‌های فناورانه را نیز به همراه دارد.

موضوع سیستم‌های داده‌محور در سیاست خارجی از سوی فیروزآبادی و چهارآزاد (۱۴۰۲) مورد واکاوی قرار گرفته است و این پژوهشگران به این باورند که هوش مصنوعی رویکرد دودبُعدی و دوگانه را نمایان کرده و جوامع بشری را با دوقطبِ خوف و امید مواجه ساخته است. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که سامانه‌های الگوریتمی با بازتولید مولفه‌های نوین در سیاست خارجی و بهره‌گیری از کارکردهای نظامی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی، تأثیر چشمگیری بر تحول و تطور اصول و مبانی سیاست خارجی الگوریتمی کشورها دارند.

بخش قابل توجهی از پژوهش‌های فارسی‌زبان بر هوش مصنوعی، الگوریتم‌ها و جایگاه آن‌ها در سیاست بین‌الملل تمرکز دارند. محمودی و بحرکاظمی (۱۴۰۳) بر نقش فناوری‌های هوش مصنوعی در پایداری تصمیم‌گیری‌های کشورها تمرکز کرده و به این نتیجه دست می‌یابند که هوش مصنوعی می‌تواند بهبود

^۱. Olena Koppel

^۲. Olena Stanislavivna Parkhomchuk

^۳. ژانوس (Janus) در اساطیر روم باستان خدای دروازه‌ها و آغازها است که با دو چهره به تصویر کشیده می‌شود؛ یکی رو به گذشته و دیگری رو به آینده. در ادبیات علمی و روابط بین‌الملل، این استعاره برای توصیف فناوری‌های نوین نظیر هوش مصنوعی به کار می‌رود که ماهیتِ دوگانه دارند و هم‌زمان می‌توانند ابزار توسعه و قدرت‌آفرینی یا عامل تهدید، بی‌ثباتی و ایجاد شکاف باشند.

روابط بین‌الملل را تسریع کند. بر این اساس، کشورها می‌توانند با استفاده از این فناوری، به شکل کارآمدتر از منابع و داده‌های خود بهره ببرند، تصمیم‌های بهتری اتخاذ کنند، برای چالش‌های بین‌المللی راه‌حل‌های مشترک بیابند و تعامل در حوزه‌های گوناگون را تقویت نمایند.

همچنین، مسعودیان و ترابی (۱۴۰۴) به بررسی نقش هوش مصنوعی در دیپلماسی عمومی بین‌المللی و کمک آن به دیپلمات‌ها پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که هوش مصنوعی با قابلیت‌هایی مانند تحلیل داده‌ها و شناخت افکار عمومی می‌تواند به تقویت ارتباطات و تعاملات دیپلماتیک کمک کند؛ باین‌حال، پیامدهای آن به نوع نگاه و شیوه بهره‌گیری از این فناوری وابسته است و می‌تواند هم در خدمت انسان و نیز، در صورت استفاده نادرست، علیه او عمل کند.

مفاهیم کلیدی پژوهش

قدرت در روابط بین‌الملل

پیش از ظهور الگوریتم‌های هوش مصنوعی و مباحث مربوط به حکمرانی الگوریتمی، در یک نگاه کلی، از سه نوع قدرت در روابط بین‌الملل بحث می‌شد. پژوهشگران این حوزه تحقیقات گسترده‌ای در زمینه قدرت سخت، قدرت نرم و قدرت هوشمند انجام داده‌اند؛ اما با پدیدآمدن هوش مصنوعی و حکمرانی الگوریتم‌ها در زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ملت‌ها، گفتمان قدرت در روابط بین‌الملل نیز دگرگون شده و امروزه از قدرت جدیدی به عنوان «قدرت الگوریتمی» یا «حکمرانی الگوریتمی» سخن به میان می‌آید.

«قدرت سخت» و «قدرت نرم» نمایانگر دو رویکرد متمایز هستند که کشورها برای تأثیرگذاری بر یکدیگر به کار می‌گیرند. قدرت نرم به توانایی یک کشور برای جذب و متقاعد کردن دیگران از طریق فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی اشاره دارد و از این طریق، احساس تحسین و اهداف مشترک را تقویت می‌کند. در مقابل، قدرت سخت شامل تاکتیک‌های قهرآمیز است و از نیروی نظامی، مشوق‌ها یا تحریم‌های اقتصادی برای وادار کردن دیگر کشورها به تبعیت استفاده می‌کند (Kivak, 2020).

رویکرد سنتی، متکی بر عناصر «قدرت ملی» است که میزان قدرت کشورها را برحسب عواملی چون جمعیت، سرزمین، رفاه مادی، نیروی نظامی و قدرت دریایی محاسبه می‌کند (نیک‌سرت، ۱۳۹۵). جوزف نای^۱، قدرت سخت را کمی می‌داند و کارشناسان برای دستیابی به فرمول‌هایی جهت سنجش آن در مناسبات جهانی تلاش کرده‌اند (نای، ۱۳۹۲). افزون بر آن،

^۱. Joseph S. Nye, Jr. (1937 - 2025)

قدرت سخت را می‌توان اجبار یا توسل به اقدامات، ابزارها و تصمیمات آشکار و مستقیم تعریف کرد (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷) که دارای عناصر عریان جغرافیایی، نیروی نظامی، جمعیت و توان اقتصادی است.

موقعیت جغرافیایی با آب‌وهوا پیوند نزدیکی دارد و بر قدرت ملی یک کشور تأثیر می‌گذارد. موقعیت، چه از نظر ریاضی و چه از نظر نسبی که با دوری یا نزدیکی از دریا، مجاورت با یک دولت پرقدرت، همسایگان و کانال‌ها و تنگه‌های بین‌المللی راهبردی مشخص می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵)، به همراه عوامل دیگری چون وسعت خاک و منابع طبیعی، در ضعف یا قوت یک کشور مؤثرند (اسدی و نجات، ۱۳۹۶). قدرت نظامی به دلیل آنکه محسوس‌تر و عملی‌تر از سایر ابعاد قدرت است، اهمیت چشمگیر دارد و هنوز هم عامل اساسی در تعیین امنیت ملی و خارجی کشورها و مقابله با تهدیدات به شمار می‌رود (محمدیان و عابدی، ۱۳۹۶). قدرت نظامی به ویژه در موقعیت‌های بحرانی، جنگ و شورش نقش بارزتری ایفا می‌کند و سایر ابعاد قدرت را به خدمت می‌گیرد؛ از این رو، بسیاری از تحلیلگران توانایی نظامی را از معیارهای کلیدی قدرت ملی می‌دانند که از کشورها در برابر تهدیدات داخلی و خارجی محافظت می‌کند (شیرازی و مردایان، ۱۳۸۹).

قدرت اقتصادی در اصل از مالکیت زمین ناشی می‌شد، اما در جامعه امروز، مالکان اسمی زمین بیشترین سهم را در این قدرت ندارند. در دوران فئودالی، مالکان زمین از قدرت برخوردار بودند؛ اما با رشد نظام صنعتی، قدرت وام و اعتبار از مالکیت اسمی زمین پیشی گرفت (راسل، ۱۳۸۵). در اختیار داشتن قدرت اقتصادی ممکن است به تسلط نظامی یا تبلیغاتی منجر شود، کما اینکه عکس این جریان نیز امکان‌پذیر است (راسل، ۱۳۸۵).

قدرت نرم

قدرت نرم به توانایی یک کشور برای دستیابی به اهداف خود از طریق جذابیت، اقناع و شکل دادن به ترجیحات دیگران، بدون اتکا به اجبار یا مشوق‌های مادی، اشاره دارد. جوزف نای این مفهوم را در ادبیات روابط بین‌الملل صورت بندی کرد و فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی را از مهم‌ترین منابع آن دانست (نای، ۱۳۸۷). قدرت نرم در تقابل مطلق با قدرت سخت قرار ندارد، بلکه می‌تواند در تعامل با آن، به عنوان یکی از ابزارهای دستیابی به اهداف سیاست خارجی به کار گرفته شود (جبّاری نصیر، ۱۴۰۲). سازوکار اصلی قدرت نرم نیز بر جذابیت، اقناع، اعتبار و مشروعیت استوار است و در صورت تحقق، زمینه همراهی داوطلبانه مخاطبان را فراهم می‌کند (حسنی و بهربر، ۱۳۹۲).

اهمیت قدرت نرم در شرایط کنونی با تحول و پراکندگی منابع قدرت افزایش یافته است. قدرت دیگر تنها در اختیار دولت ها و نهادهای رسمی متمرکز نیست، بلکه بخشی از ظرفیت اثرگذاری به بازیگران غیردولتی، شرکت های ملی و فراملی و شبکه های فرامرزی منتقل شده است (تافلر، ۱۳۷۵). در چنین محیطی، قدرت بیش از پیش ماهیت شبکه ای و چندسطحی پیدا کرده و توانایی تأثیرگذاری بر ادراک، ترجیحات و رفتار دیگران به یکی از ابعاد مهم آن تبدیل شده است. از این منظر، فناوری، دانش و دسترسی به شبکه های ارتباطی نیز در شکل گیری و توزیع منابع قدرت نقش فزاینده ای یافته اند. در نتیجه، پیچیدگی فرایندهای تصمیم گیری و افزایش نقش فناوری های هوشمند و ابزارهای تولید و مدیریت دانش، محیط اعمال قدرت را از الگوهای سنتی فاصله داده و بر اهمیت منابع غیرمادی قدرت، از جمله دانش، اعتبار و جذابیت، افزوده است.

قدرت هوشمند

قدرت هوشمند^۱ به معنای ترکیب منابع قدرت سخت و نرم و تبدیل آن به راهبردهای مؤثر و موفق است (ویلسون، ۲۰۰۸). این مفهوم به عنوان جعبه‌ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی، نخستین بار توسط سوزان ناسل^۲ به کار رفت که آن را ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات می‌داند. او معتقد بود که منابع اجباری و اقناعی، شامل تولنایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک، باید در یک نظام هماهنگ شوند تا برآیند آن تداوم برتری یک کشور را تضمین کند (Nossel, 2004).

نای در کتاب *قدرت‌های رهبری*^۳ بر همراه بودن این دو نوع قدرت با یکدیگر به عنوان مکمل تأکید دارد. به عقیده او، رهبران موفق در آینده کسانی هستند که مهارت به کارگیری همزمان قدرت سخت و نرم را به صورت هوشمند داشته باشند (واعظی و احدی، ۱۳۸۹). این اندیشمند برجسته علوم سیاسی تأکید می‌کند که راهبردهای موفق بین‌المللی بیشتر به ایجاد توازن میان این دو شکل قدرت نیاز دارند. در حالی که قدرت سخت می‌تواند به نتایج فوری دست یابد، ممکن است واکنش منفی یا نارضایتی ایجاد کند؛ در مقابل، قدرت نرم به ایجاد روابط بلندمدت و ارزش‌های مشترک کمک می‌کند (Kivak, 2020).

توانایی درک محیط در حال تغییر و سرمایه‌گذاری در روندهای موجود، در فضای قدرت هوشمند از اهمیت بالایی برخوردار است و این امر نیازمند توانایی تشخیص روندها در

1. Smart Power, 2004

2. Suzanne Nossel

3. The powers to lead, 2008

محیطی بسیار پیچیده و فاقد قطعیت است. این توانایی به یک رهبر اجازه می‌دهد تا روش خود را با شرایط پیش رو و نیازهای پیروان خود هماهنگ سازد (نای، ۲۰۰۶).

قدرت هوشمند، آثار و پیامدهایی در حوزه قابلیت اقتصادی دارد (متقی، ۱۳۸۷). استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی در فضای به شدت تجاری‌شده جهان در قرن بیست و یکم، از مهم‌ترین اولویت‌های کشورهای موفق در حوزه قدرت هوشمند است. دیپلماسی اقتصادی در نقطه تلاقی دیپلماسی و فعالیت‌های اقتصاد ملی و بین‌المللی ظاهر می‌شود و نوعی فصل مشترک میان منافع اقتصاد ملی و سایر منافع سیاسی، امنیتی و فرهنگی کشور در سطح نظام اقتصاد سیاسی جهانی ایجاد می‌کند (محمدیان و عابدی، ۱۳۹۶).

قدرت هوشمند، شکل جدیدی از اقدامات سازمان‌یافته تلقی می‌شود که زمینه‌های لازم را برای کاربرد نیروهای نظامی فراهم می‌سازد (قربانی شیخ‌نشین و همکاران، ۱۳۹۰). البته دیپلماسی نظامی و دفاعی به معنای به کارگیری خشونت‌آمیز زور و قدرت نظامی در تقابل با دیگر کشورها نیست، بلکه استفاده مسالمت‌آمیز از توان دفاعی و نظامی یک کشور برای هماهنگ‌سازی سیاست‌های نظامی و غیرنظامی سایر کشورها در جهت استقرار نظم و امنیت مطلوب برای تأمین منافع ملی تعریف می‌شود (پوراحمدی، ۱۳۸۸).

قدرت الگوریتمی

اکنون در عصر الگوریتم‌های هوش مصنوعی، شیوه‌های اعمال و سازوکاری قدرت نیز دچار تحول شده‌است و دست کم قدرت الگوریتمی از طریق سه بُعد به هم پیوسته قدرت داده‌ای، قدرت زیرساختی و قدرت تصمیم‌گیری الگوریتمی عمل می‌کند (Farazkish, 2025). در طول دهه گذشته، قدرت الگوریتم‌ها در بسیاری از حوزه‌های جامعه خود را نشان داده‌است. این امر نشان می‌دهد که باید الگوریتم‌ها را به عنوان یکی از اشکالی در نظر بگیریم که قدرت از طریق آن‌ها در جامعه ما اعمال می‌شود (Peeters & Schuilenburg, 2020).

هوش مصنوعی مولد به عنوان ابزاری که بیشتر جنبه کاربردی دارد و نمونه بارز آن ChatGPT است. این یافته نشان می‌دهد که سامانه‌های الگوریتمی نه به عنوان زیرساخت‌های فناورانه‌ای دور از دسترس، بلکه به عنوان ابزارهای کاربردی درک می‌شوند که نقش فعال در دسترس‌پذیری، خلاصه‌سازی و تفسیر اطلاعات در جهان ایفا می‌کنند (Sökmen Alaca, A. İ. 2026).

الگوریتم‌ها به میانجی اصلی تبدیل شده‌اند که قدرت از طریق آن در جامعه ما اعمال می‌شود گسترش هوش مصنوعی به طور بنیادینی شیوه‌های تولید اقتصادی، حکمرانی و عملکرد سیاسی را در عصر دیجیتال

دگرگون کرده است. اکنون می توان به لحاظ نظری در باره ظهور گونه ای جدید از قدرت یعنی قدرت الگوریتمی سخن به میان آورد؛ قدرتی که از طریق میانجی گری دانش، ادراک و اطلاعات شکل می گیرد (Sökmen Alaca, A. İ. 2026).

الگوریتم ها تنها دارای قدرت و سیاست نیستند، بلکه به تولید شکل های معینی از عمل کردن و شناختن در جهان نیز کمک می کنند. الگوریتم ها از طریق پردازش، طبقه بندی، مرتب سازی و رتبه بندی داده ها، از آن جهت سیاسی هستند که کمک می کنند جهان به شیوه های خاص و نه به شیوه هایی دیگر پدیدار شود (Bucher, 2018).

پیترز^۱ و مارک شویلنبرگ^۲ (۲۰۲۱) در مقاله ای با عنوان «جامعه الگوریتمی: فناوری، قدرت و دانش»^۳ می نویسند که ما در میانه یک تحول چشم گیری در زندگی خود قرار داریم و اگرچه حضور در چنین زمان و مکان فوق العاده است، باید نسبت به پیامدهایی که همراه این تحول می آیند هوشیار باشیم. حجم حیرت انگیزی از داده ها درباره کنش های روزمره ما تولید می شود و الگوریتم ها این داده ها را پردازش کرده و بر اساس آن ها عمل می کنند تا تصمیماتی اتخاذ کنند که رفتار ما را در زندگی روزمره مدیریت، کنترل و به صورت تدریجی هدایت کنند. استفاده از الگوریتم ها نه تنها امکانات کنترل و نظارت موجود را گسترش می دهد، بلکه پارادایم جدیدی را نیز معرفی می کند که با عقلانیت فزاینده در حکمرانی، تغییر در نحوه عملکرد قدرت و بسته شدن فرایندهای تصمیم گیری مشخص می شود (Peeters & Schuilenburg, 2020).

قدرت و سیاست الگوریتمی نه به این معناست که الگوریتم ها تعیین می کنند جهان اجتماعی چگونه ساخته می شود و نه تنها به این معنی است که الگوریتم ها چه کاری انجام می دهند. بلکه مسئله بر سر این است که جنبه های مختلف الگوریتم ها و امر الگوریتمی، چگونه و چه زمانی برای کنشگران مشخص در دسترس و قابل استفاده می شوند. این امر تحت چه شرایطی رخ می دهد و چه کسی یا چیزی در تعیین این که الگوریتم ها چگونه تعریف می شوند، امکان مشارکت پیدا می کنند (Bucher, 2018).

برخلاف قدرت سنتی که بیشتر در ارتباط با ظرفیت های مادی یا ترتیبات نهادی اعمال می شود، قدرت الگوریتمی در ارتباط با تولید، میانجی گری و انتشار اطلاعات اعمال می شود؛ اطلاعاتی که ادراک، دانش و تفسیر سیاسی را شکل می دهند (Sökmen Alaca, 2026). ما در کانون یک تحول چشمگیر در زندگی خود قرار داریم و اگرچه حضور در چنین بستر زمانی و مکانی فوق العاده است، باید نسبت به پیامدهای ساختاری آن هوشیار باشیم؛ زیرا کنترل جریان اطلاعات و مهندسی داده ها توسط سامانه های هوشمند، به معنای بازتولید مرزهای حاکمیت و تعیین برندگان و بازندگان نظم نوین جهانی است.

¹. Rik Peeters

². Marc Schuilenburg

³. The algorithmic society: Technology, power, and knowledge, 2021

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی و با رویکرد تبیینی - تحلیلی انجام شده است. انتخاب این رویکرد با ماهیت مسئله پژوهش و هدف آن، یعنی شناسایی و تبیین سازوکارها و ابزارهای نوین اعمال قدرت در بستر گذار به حکمرانی الگوریتمی، تناسب دارد. در این چارچوب، پژوهش به جای سنجش کمی روابط میان متغیرها، بر فهم مفاهیم، شناسایی الگوهای معنایی و تبیین چگونگی شکل‌گیری و اعمال قدرت الگوریتمی در عرصه روابط بین‌الملل تمرکز دارد.

داده‌های پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده و منابع مورد بررسی شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و اسناد مرتبط با قدرت، قدرت نرم، قدرت هوشمند، حکمرانی الگوریتمی، هوش مصنوعی و سیاست بین‌الملل بوده است. انتخاب منابع بر اساس ارتباط مستقیم آنها با مسئله پژوهش و ظرفیت آنها برای تبیین ابعاد مختلف قدرت الگوریتمی صورت گرفته است.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون^۱ استفاده شده است. در این فرایند، ابتدا مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با موضوع از منابع استخراج و کدگذاری شدند؛ سپس کدهای مشابه در قالب مضامین پایه سازمان دهی و از طریق ارتباط میان آنها، مضامین سازمان دهنده و در نهایت مضامین فراگیر شناسایی شدند. این فرایند امکان می‌دهد مؤلفه‌های اصلی قدرت الگوریتمی، سازوکارهای اعمال آن و نسبت آن با تحولات قدرت در روابط بین‌الملل به صورت منسجم تبیین شود. در نهایت، بر اساس پیوند میان مضامین استخراج شده، مدل مفهومی پژوهش شکل گرفته است که چارچوبی برای تبیین جایگاه و کارکرد قدرت الگوریتمی در حکمرانی معاصر ارائه می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

با تحلیل داده‌های گردآوری‌شده و بررسی منابع علمی، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که الگوریتم‌های هوش مصنوعی تحولی بنیادین در سازوکارهای اعمال قدرت در روابط بین‌الملل ایجاد کرده‌اند. این دگرگونی در قالب «چارچوب مفهومی سازوکارهای قدرت الگوریتمی و پیامدهای آن در روابط بین‌الملل» در جدول شماره ۱ دسته‌بندی شده است. بر این اساس، یافته‌های تحقیق در چهار محور مشخص تبیین می‌شوند:

^۱, Thematic Analysis

جدول ۱. چارچوب مفهومی سازوکارهای قدرت الگوریتمی و پیامدهای آن در روابط بین الملل

شماره	مضامین اصلی	مضامین فرعی
۱	منابع قدرت الگوریتمی	داده‌های بزرگ
		دستگاه‌های پردازش قدرت‌مند و پیش رفته
		زیرساخت دیجیتال
		دسترسی همزمان به کاربران میلیونی جهانی
۲	ابزارهای قدرت الگوریتمی	الگوریتم‌های اولویت‌بندی
		ابزارهای نظارتی
		ابزارهای تولید محتوا
		سامانه‌های توصیه‌گر
۳	بازیگران قدرت الگوریتمی	شرکت‌های بزرگ فن‌آوری مانند گوگل، فیسبوک و یوتیوب
		دولت‌های بزرگ و متوسط
		شرکت‌های هوش مصنوعی
۴	پیامدهای قدرت الگوریتمی	نظم مسوولانه
		هماهنگی دولت‌ها از طریق سازمان‌های بین‌المللی
		هوش مصنوعی به‌عنوان ابزار ژئوپولیتیک
		پیشگیری شرکت‌های خصوصی از سیاست‌های عمومی

۱. محور نخست: دگرگونی و ارتقای منابع قدرت الگوریتمی

یافته‌های ما نشان می‌دهد که برخلاف منابع سنتی قدرت (نظامی، اقتصادی و سرزمینی)، منابع قدرت در عصر هوش مصنوعی بر پایه سه مؤلفه نوین استوار شده‌اند:

قدرت داده‌ای: داده دیگر تنها یک ورودی خنثی نیست، بلکه به عنوان «ماده اولیه راهبردی» و منبعی رابطه‌ای عمل می‌کند که از طریق انباشت ردپاهای رفتاری، پیش‌بینی و مدیریت ترجیحات را ممکن می‌سازد (Farazkish, 2025: 5). این قدرت با عدم تقارن ساختاری همراه است و عاملیت کاربران را کاهش می‌دهد.

قدرت زیرساختی: زیرساخت‌های محاسباتی، مراکز داده و خدمات ابری به ابزاری برای انحصار کنترل فناوریانه در دست شمار محدودی از شرکت‌های چندملیتی تبدیل شده‌اند که جریان داده‌ها و استانداردهای جهانی را هدایت می‌کنند (Srivastava, 2023; Pasquale, 2015).

قدرت تصمیم‌گیری الگوریتمی: سامانه‌های یادگیری ماشین از طریق پردازش بلادرنگ و تنظیم‌گری الگوریتمی، به گونه‌ی مستقیم در فرایندهای حکمرانی و تخصیص فرصت‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند (Yeung, 2018). هوش مصنوعی در این سطح به عنوان یک «ژانوس دوچهره» عمل کرده و نظم بین‌المللی را برای قدرتمندان تثبیت و برای بازیگران ضعیف‌تر بی‌ثبات می‌سازد (Koppel & Parkhomchuk, 2025).

۲. محور دوم: ابزارهای نوین و خودکار اعمال نفوذ

ابزارهای قدرت الگوریتمی فراتر از ابزارهای سنتی قدرت، مانند توان نظامی و اقتصادی، عمل می‌کنند و شیوه‌های اعمال نفوذ را دگرگون ساخته‌اند. الگوریتم‌های دیپ‌فیک، تبلیغات هدفمند، تحلیل احساسات و سامانه‌های هوش مصنوعی، امکان اعمال نفوذ سریع، شخصی‌سازی شده و تا حد زیادی پنهان را فراهم می‌کنند. در این چارچوب، هوش مصنوعی نه تنها می‌تواند ظرفیت‌های اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی دولت‌ها را تقویت کند، بلکه با تحلیل داده‌های گسترده و هدف قرار دادن مخاطبان، در شکل دهی به ادراک و روایت‌های سیاسی نیز نقش دارد. از این منظر، هوش مصنوعی را می‌توان به عنوان «ضریب توان» در ساختار قدرت و عاملی برای تغییر شیوه تولید و اعمال نفوذ در روابط بین‌الملل در نظر گرفت (Koppel & Parkhomchuk, 2025).

۳. محور سوم: تکرر و دگرگونی بازیگران در نظام بین‌الملل

یافته‌ها نشان می‌دهد که بازیگری در سیاست بین‌الملل دیگر در انحصار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌دولتی نیست و شرکت‌های بزرگ فناوری و پلتفرم‌های دیجیتال نیز به منابع مهم قدرت و اثرگذاری دست یافته‌اند. این بازیگران با اتکا به داده، زیرساخت‌های دیجیتال و الگوریتم‌ها، جریان اطلاعات، دیده شدن محتوا و تا حدی رفتار جمعی را تنظیم می‌کنند و از این طریق، سازوکار اعمال قدرت را به سوی الگوهای الگوریتمی سوق می‌دهند (Srivastava, 2023). در این چارچوب، پلتفرم‌ها صرفاً واسطه انتقال اطلاعات نیستند، بلکه با وضع قواعد محتوایی و تنظیم دسترسی کاربران، در سازمان دهی فضای ارتباطی و اجتماعی نقش دارند؛ تحولی که برخی پژوهشگران آن را در ارتباط با شکل‌گیری برخی کارکردهای شبه دولتی در

پلتفرم‌های بزرگ تحلیل کرده‌اند (Foer, 2017). از این منظر، داده، الگوریتم و زیرساخت دیجیتال به منابع نوین قدرت در سیاست معاصر تبدیل شده‌اند.

۴. محور چهارم: پیامدها و سناری باند‌های حکمرانی جهانی هوش مصنوعی
تأثیر الگوریتم‌ها بر سازوکار روابط بین‌الملل، چشم‌اندازهای چندگانه‌ای را فراروی نظام جهانی قرار داده است. بر اساس تحلیل منابع، آینده حکمرانی هوش مصنوعی در گرو چهار سناریوی بالقوه است (Switaj & Ping, 2025):

نظم هوش مصنوعی مسئولانه: مبتنی بر چارچوب‌های چندجانبه، استانداردهای اخلاقی و نظارت مشترک بین‌المللی.

وصله‌دوزی ترکیبی: همراه با نوعی هماهنگی، اما با اجرای نابرابر قواعد و همکاری محدود دولت‌ها از طریق سازمان‌های بین‌المللی.

جنگ سرد فناوری: متکی بر کنترل‌های سخت‌گیرانه، رقابت‌های ژئوپلیتیک و شکل‌گیری بلوک‌های منطقه‌ای موازی.

محیط فاقد ضابطه و آشوبناک هوش مصنوعی: سناریویی که در آن نوآوری رادیکال شرکت‌های خصوصی از سیاست‌گذاری عمومی پیشی گرفته و خطرات نظام‌مند و شکاف‌های پایدار را در نظارت جهانی ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی دگرگونی سازوکارهای اعمال قدرت در روابط بین‌الملل تحت تأثیر الگوریتم‌های هوش مصنوعی انجام گرفت. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهند که با ظهور حکمرانی الگوریتمی، پارادایم قدرت از مؤلفه‌های سنتی مادی و سرزمینی فاصله گرفته و به سمت انباشت داده‌ها، کنترل زیرساخت‌های دیجیتال و تصمیم‌گیری خودکار متمایل شده است. بر این اساس، قدرت در عصر جدید دیگر تنها بر مبنای توان نظامی و اقتصادی سنجیده نمی‌شود، بلکه میزان تسلط بر زنجیره‌ای ارزش هوش مصنوعی و مدیریت جریان‌های اطلاعاتی، معیارهای اصلی تعیین‌کننده جایگاه بازیگران در نظام بین‌الملل به شمار می‌روند.

در این راستا، بررسی ابعاد چهارگانه قدرت الگوریتمی نشان داد که منابع قدرت از کلان‌داده‌ها و زیرساخت‌های ابری شکل گرفته و ابزارهای نوین نفوذ (مانند الگوریتم‌های اولویت‌بندی، دیپ‌فیک و سامانه‌های توصیه‌گر) همچون ضریب قدرت‌مند، ابعاد سنتی سلطه ژئوپلیتیکی را تقویت می‌کنند. هم‌زمان، تکثر بازیگران با ورود شرکت‌های بزرگ فناوری به عرصه سیاست بین‌الملل، منطق تعاملات جهانی را پیچیده‌تر کرده است؛ به گونه‌ای که این پلتفرم‌ها با اعمال قواعد اختصاصی، کارکردی مشابه دولت‌سازها یافته‌اند.

پیامدهای این تحولات در قالب سناریوهای چهارگانه (نظم مسئولانه، هماهنگی بین‌المللی، جنگ سرد فناوری و فضای بی‌قاعده و رهاشده هوش مصنوعی) حاکی از آن است که آینده نظام بین‌الملل بر سر یک دو راهی راهبردی قرار دارد. اگر دولت‌ها و بازیگران جهانی به جای رقابت‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی‌سازی هوش مصنوعی، رویکرد مبتنی بر هنجارهای مشترک، شفافیت و خیر عمومی اتخاذ کنند، امکان کاهش خطرات و مدیریت جامع چالش‌ها فراهم خواهد شد. در مقابل، تداوم نگاه ابزاری و رقابتی به هوش مصنوعی، به شکل‌گیری شکاف‌های پایدار در نظارت جهانی و افزایش آسیب‌های نظام‌مند منجر خواهد گردید. بنابراین، پیوند زدن حکمرانی الگوریتمی با ارزش‌های بنیادین اخلاقی، راهکار اساسی صیانت از پایداری و ثبات در نظم آینده بین‌الملل به شمار می‌رود.

منابع

- اسدی، رمضان اسماعیل، و نجات، سیدعلی. (۱۳۹۶). نقش قدرت در سیاست بین‌الملل. سیاست، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۶(۱)، ۱۰۵-۱۱۶.
- اکبری، محمدموسی. (۱۳۹۷). راهبردها و راهکارهای مهار قدرت در عرصه روابط بین‌الملل با تاکید بر فقه اسلامی [رساله دکتری، جامعه المصطفی العالمیه، مدرسه عالی فقه تخصصی، گروه روابط بین‌الملل].
- تافلر، آلین. (۱۳۷۵). جابه‌جایی در قدرت، ترجمه شیندخت خوارزمی، تهران: نشر سیمرغ.
- جباری نصیر، حسن. (۱۴۰۳). تبیین نظری از «قدرت نرم آموزش عالی» در نظریه‌های روابط بین‌الملل؛ پتانسیل‌ها و کارکردها. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۶(۲)، ۱۰۱-۱۳۲.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- راسل، برتراند. (۱۳۸۵). قدرت، ترجمه نجف دریابندی، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- رایش، مایکل. (۱۳۷۷). جامعه و سیاست: مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- شیرازی، حسن، و مرادیان، محسن. (۱۳۸۹). بررسی میزان تاثیر هر یک از عوامل محسوس قدرت در شکل گیری قدرت نظامی. مجله سیاست دفاعی، ۱۸ (۷۲).
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۹۱). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
- فتاحی اردکانی، حسین، مسعودنیا، حسین، و امام جمعه زاده، سیدجواد. (۱۳۹۷). تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم، هوشمند). فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۱ (۱)، ۱۳۰-۱۵۳.
- قربانی، ارسلان، عباس زاده، هادی، و کرمی، کامران. (۱۳۹۰). قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن. فصلنامه روابط خارجی، ۳ (۴)، شماره پیاپی ۱۲.
- متقی، ابراهیم. (۱۳۸۷). بسیج و تولید امنیت نرم. در قدرت نرم: فرهنگ و امنیت (جلد سوم). تهران: پژوهشکده مطالعات بسیج.
- محمدیان، علی، و عابدی، هانی. (۱۳۹۶). تحلیلی بر ارتقای جایگاه ایران در خاورمیانه با تاکید بر قدرت هوشمند. علوم سیاسی، دانشگاه آزاد کرج، (۴۰)، ۲۳-۴۸.
- محمودی، امیررضا، و بحرکاظمی، مریم. (۱۴۰۳). هوش مصنوعی و تاثیر آن بر سیاست بین الملل. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۱ (۲)، شماره ۲۹.
- مسعودیان، یونس، و ترابی، قاسم. (۱۴۰۴). جایگاه هوش مصنوعی در دیپلماسی عمومی بین المللی. فصلنامه مطالعات بین المللی، ۲۱ (۴)، ۱۳۹-۱۶۳.
- مصباح، عبدالصیر. (۱۴۰۵). حکمرانی الگوریتمی و مواجهه انتقادی در پلتفرم های دیجیتال. فصلنامه علمی - پژوهشی نبراس، (۱۳)، ویژه تفکر انتقادی.
- نای، جوزف. (۱۳۹۲). آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.
- نای، جوزف، و پاپ، رابرت. (۱۳۹۱). قدرت و موازنه نرم در سیاست بین الملل، ترجمه عسکر قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نیک سرت، معصومه. (۱۳۹۵). [عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد] [پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه روابط بین الملل].

واعظی، محمود، و احدی، افسانه. (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

منابع لاتین

- Bucher, T. (2018). *If...Then: Algorithmic power and politics*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190493028.001.0001>
- Farazkish, R. (2025). Algorithmic power and the political economy of artificial intelligence. *International Journal of Political Science*, 15(3), 1–11. <https://doi.org/10.57647/ijps.2025.1503.13>
- Kivak, R. (2020). Soft and hard power. *EBSCO Research Starters*. EBSCO.
- Koppel, O., & Parkhomchuk, O. (2025). Artificial intelligence as a tool of power in international relations. *Actual Problems of International Relations*, (164), 4–11. <https://doi.org/10.17721/apmv.2025.164.1.4-11>
- Monsees, L., Liebetrau, T., Austin, J. L., Leander, A., & Srivastava, S. (2023). Transversal politics of Big Tech. *International Political Sociology*, 17(1), olac020. <https://doi.org/10.1093/ips/olac020>
- Nossel, S. (2004). Smart power. *Foreign Affairs*, 83(2), 131–142. <https://doi.org/10.2307/20033907>
- Peeters, R., & Schuilenburg, M. (2021). *The algorithmic society: An introduction*. In M. Schuilenburg & R. Peeters (Eds.), *The algorithmic society: Technology, power, and knowledge* (pp. 1–15). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780429261404-1>
- Sökmen Alaca, A. İ., Balın, S., & Kurt, E. H. (2026). Algorithmic power and the epistemic transformation of international relations in the age of generative AI. *Scientific Culture*, 12(3.1), 213–227. <https://doi.org/10.5281/zenodo.18916594>
- Srivastava, S. (2023). Algorithmic governance and the international politics of Big Tech. *Perspectives on Politics*, 21(3), 989–1000. <https://doi.org/10.1017/S1537592721003145>
- Switaj, C., & Ping, J. (2025). Artificial intelligence and geopolitics: Middle powers in the age of algorithmic power. *East Asia Security Centre*, 1(3). <https://doi.org/10.53300/001c.151716>
- Yeung, K. (2018). Algorithmic regulation: A critical interrogation. *Regulation & Governance*, 12(4), 505–523. <https://doi.org/10.1111/regg.12158>